



بررسی رابطه فعالیت بازارچه‌های مرزی و رشد اقتصادی منطقه (مطالعه موردی استان سیستان و بلوچستان)

سعید سرگزی^{۱*}، نظر دهمرده^۲، مصیب پهلوانی^۳

۱- نویسنده مسئول و کارشناس ارشد علوم اقتصادی، گروه اقتصاد دانشکده مدیریت و اقتصاد و دانشگاه سیستان و بلوچستان

Email: saiedsargazi@yahoo.com

۲- دانشیار علوم اقتصادی، گروه اقتصاد دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه سیستان و بلوچستان

۳- دانشیار علوم اقتصادی، گروه اقتصاد دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده

هدف از این مقاله بررسی رابطه فعالیت بازارچه‌های مرزی استان سیستان و بلوچستان و رشد اقتصادی منطقه است. روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی است و جامعه آماری آن در برگیرنده ۷۰ نفر خبرگان و کارشناسان شهرهای مرزی منطقه سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۹۱ می‌باشد. ابزار اصلی پژوهش یک پرسشنامه محقق ساخته است و جهت آزمون فرضیات از روش آماری ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی ارتباط متغیرها استفاده شده است. همچنین در مورد اهمیت هر یک از معیارها و زیرمعیارها در مقایسه با یکدیگر پرسش شده و بر اساس مدل سلسله مراتبی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بطور کلی نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین فعالیت بازارچه‌های مرزی استان سیستان و بلوچستان و رشد اقتصادی منطقه رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس دیدگاه کارشناسان تاثیر معیارها و زیرمعیارهای فعالیت بازارچه‌های مرزی استان سیستان و بلوچستان، بر رشد اقتصادی منطقه، دارای اولویت‌های متفاوتی می‌باشند. معیار تحرک در بخش صنعت در اولویت اول و معیارهای تحرک در بخش کشاورزی، بخش خدمات و اشتغال‌زایی به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار دارند.

واژگان کلیدی: بازارچه مرزی، مبادلات غیررسمی، شهرهای مرزنشین، مبادلات مرزی، استان سیستان و بلوچستان



Economic effects arising from cross border market activity on economic growth (A case study of Sistan and Baluchestan)

Abstract

The purpose of this study was to assess the economic impacts of market activity on economic growth in the border province of Sistan and Baluchestan region. This research was a descriptive – analytical and statistical population was consists of ۷۰ professionals and experts in the border city of Sistan and Baluchestan, in the year ۱۳۹۱. Research tool, a researcher made questionnaire was designed. Pearson correlation coefficient for data analysis method was used to evaluate the relationship between variables. Also, the importance of each criteria and sub-criteria and compare the questions based on the hierarchical model has been analyzed. Overall, the results of this study indicate that the border market activity and economic growth in Sistan and Baluchestan province, there is a significant relationship. Based on expert opinion, criteria and sub-criteria of Sistan and Baluchestan border market activity on economic growth in the region, the priorities are different. Mobility measures in the industrial sector first priority, and mobility standards in agriculture, services, and job creation are next respectively of priority.

Keywords : border Markets; informal exchanges; towns frontier zones; border exchanges; Sistan and Baluchestan

۱- مقدمه

یکسان سازی رسیدن به بازارهای گسترده و موفقیت تجاری مستلزم حرکت به سوی اقتصاد باز در بازارهای مختلف می باشد. از جمله عواملی که تأثیر بسزایی بر رشد اقتصادی برخی کشورهای در حال توسعه داشته و توجه بسیاری از اقتصاددانان را به خود جلب نموده، مناطق مرزی و تأثیرات آنها در تحقیقات اقتصادی است. در واقع اقتصاد مناطق مرزی خود می تواند نقش اساسی در ترقی، پیشرفت و رشد اقتصادی نواحی مرزی داشته باشد. به دلیل اهمیت بازارچه های مرزی در این زمینه، این پژوهش در نظر دارد تا با بررسی رابطه فعالیت بازارچه های مرزی و رشد اقتصادی منطقه، این اثرات را از دیدگاه کارشناسان شهرهای مرزی سیستان و بلوچستان، مورد سنجش و ارزیابی قرار دهد.

سیستان و بلوچستان به عنوان دروازه اقتصادی اکو و شاهراه ارتباط جهانی در مسیر جاده تاریخی ابریشم با داشتن مرزهای طویل آبی و خاکی و ۱۴ گمرک و بازارچه مرزی نقش مهمی در شکوفایی اقتصاد ملی ایفا می کند. مرز یک فرصت طلایی برای استان سیستان و بلوچستان محسوب می شود که باید از این قابلیت به خوبی و با برنامه ریزی صحیح استفاده کرد. لذا توسعه بازارچه های مرزی و مبادلات قانونی مرزی می تواند به این مهم کمک فراوانی کند. ضمناً قابل ذکر است که موقعیت استان سیستان و بلوچستان سبب شده است که از دیرباز علاوه بر مبادلات رسمی و قانونی، مبادلات غیررسمی و پنهانی نیز در حجم وسیعی از طریق این استان انجام می پذیرد. بخش قابل ملاحظه ای از نیروی انسانی به دلیل فراهم نبودن زمینه های اشتغال در بخشهای تولیدی به اینگونه فعالیت های مبادلاتی مشغول هستند. قانونمندان و ساماندهی به اینگونه مبادلات از جمله مسائل عمده ای است که بازرگانی خارجی استان با آن روبرو می باشد.

سیستان و بلوچستان ۷ بازارچه فعال با رویکرد صادراتی دارد که با توجه به آمار جدول ذیل گمرکات سیستان و بلوچستان، کل صادرات سیستان و بلوچستان طی سال ۱۳۸۸ به وزن ۳۱۸۰۴۴ تن و ارزش ۱۷۶۸۵۴۶ میلیون ریال رسیده است. همچنین واردات از طریق گمرکات و بازارچه های مرزی استان طی سال ۱۳۸۸ به وزن ۷۷۵۵۹۶ تن و ارزش ۸۸۲۴۶۵۲ میلیون ریال وارد شده است. با مقایسه میزان صادرات در سال ۱۳۸۸ نسبت به سالهای قبل از آن، رشد صادرات قابل توجه است.



جدول (۱) مقدار و ارزش واردات و صادرات از گمرکات و بازارچه های مرزی استان سیستان و بلوچستان طی سالهای ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۸

سال	واردات		صادرات (۱)	
	مقدار	ارزش	مقدار	ارزش
۱۳۸۱	۵۰۲۱۵۳	۹۹۳۴۸۲	۲۴۷۳۳۵	۵۶۵۳۴۹
۱۳۸۲	۴۲۸۹۸۴	۱۱۸۵۴۴۳	۳۱۲۸۱۵	۷۳۹۸۳۷
۱۳۸۵	۱۳۳۷۳۹۳	۶۹۲۴۱۲۰	۴۹۴۵۰۱	۱۰۶۳۷۸۸
۱۳۸۶	۱۲۹۷۹۲۹	۹۲۷۸۵۴۷	۲۷۸۷۰۰	۹۳۲
۱۳۸۷	۱۳۶۳۵۱۶	۱۱۶۹۳۰۲۰	۲۲۲۱۰۲	۱۱۳۴۲۸۰
۱۳۸۸	۷۷۵۵۹۶	۸۸۲۴۶۵۲	۳۱۸۰۴۴	۱۷۶۸۵۴۶

۱- مقدار و ارزش صادرات انواع کالا بجز نفت خام می باشد. (تن - میلیون ریال)

مأخذ: حوزه نظارت گمرکات استان سیستان و بلوچستان

بررسی‌ها نشان می‌دهد واردات نسبت به مدت سالهای قبل با کاهش و همچنین صادرات با افزایش رو به رو بوده است. برای سنجش رابطه فعالیت بازارچه‌های مرزی از شاخص‌های مختلفی استفاده می‌شود که رابطه فعالیت ساختارهای اقتصادی بازارچه‌ها (کشاورزی، خدمات، صنعت و اشتغال) و رشد اقتصادی منطقه را می‌سنجد. این شاخص‌ها در بخش فعالیت کشاورزی شامل: صادرات صیفی‌جات، غلات و حبوبات و مرکبات و میوه‌جات؛ و در بخش خدمات شامل: رونق خدمات جنبی، حمل و نقل و بازرگانی بازارچه‌ها؛ و در بخش صنعت شامل: سرمایه‌گذاری در صنایع مختلف مانند، صنایع تبدیلی، صنعت معدن و پتروشیمی و صنایع نساجی؛ و در بخش اشتغال‌زایی شامل: اشتغال‌زایی مستقیم و غیرمستقیم بازارچه‌ها و اشتغال‌زایی زنان می‌باشند.

هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطه فعالیت بازارچه‌های مرزی استان سیستان و بلوچستان و رشد اقتصادی شهرهای مرزین استان و نیز مناطقی که در تعامل مستقیم با این بازارچه‌ها قرار دارند. بدین منظور این سوال اصلی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد: آیا فعالیت بازارچه‌های مرزی تغییرات مثبتی بر رشد اقتصادی مناطق پیرامون خود برجای گذاشته است؟

۲- مبانی نظری و پیشینه

درجهان امروز، به‌طورکلی مبادلات تجاری مرزی یکی از شاخص‌های اصلی در برقراری ارتباط بین کشورهای همسایه و نیز امرارمعاش مردم مرزنشین می‌باشد و از این طریق مردم ساکن درنواحی مرزی کشورهای همسایه می‌توانند درکنارهم و باهم ازفرصت‌ها و منابع مشترک استفاده نمایند که این امر می‌تواند منجر به استمرار و پایداری دوستی و تفاهم طرفین، امنیت و رونق اقتصادی و توسعه، ایجاد فرصت‌های شغلی و شکل‌گیری یک نوع مزیت نسبی در مناطق مرزی گردد (رکن‌الدین افتخاری، پاپلی یزدی و عبدی، ۱۳۸۷). استان سیستان و بلوچستان با وجود شرایط منطقه‌ای ویژه (هم‌مرزی با پاکستان و افغانستان و دسترسی به آبهای آزاد اقیانوس هند)، قابلیت‌ها و توانمندی‌های بالقوه زیادی دارد که در صورت توجه و برنامه‌ریزی صحیح می‌تواند باعث رشد چشمگیر منطقه شود. بازارچه‌های مرزی مختلف از توانمندی‌های استان در بخش بازرگانی و تجارت است (دهمرد، محمودی و دهمرده قلعه‌نو، ۱۳۸۷).

۱-۲- مروری بر نحوه شکل‌گیری بازارچه‌های مرزی در ایران

طبیعت منزوی و غیرحاصلخیز مناطق مرزنشین به‌خصوص در عرصه‌های کوهستانی و بیابانی ایران که همواره دلیل موجه برای توسعه فقر و بی‌ثباتی جمعیت در این مناطق بوده، دولت‌های وقت را بر آن می‌داشته است که تسهیلاتی برای این مناطق منظور نمایند. در سالهای ۱۳۳۱، ۱۳۴۴ و ۱۳۴۸، اگرچه مبادلات مرزی در قالب یک لایحه قانونی در قانون مبادلات مرزی ایران مستتر شده، لکن استفاده مرزنشینان از مفاد این قانون به دلیل محدودیت‌های مالی و عدم آگاهی به اصول بازرگانی خارجی تا سالهای بعد از انقلاب به تعویق افتاد. در پی محدودیت‌های اقتصادی ناشی از جنگ تحمیلی و محاصره اقتصادی که مشخصاً بر عرصه بازرگانی و اقتصادی کشور اثر می‌گذاشت. از سال ۱۳۷۳ مبادلات در قالب بازارچه‌های مرزی و تعاونی-



های مرزنشینی رونق یافت و صدور کالاهای غیرنفتی مزیت‌دار و ورود کالاهای مورد نیاز مرزنشینان در دستور کار این واحدها قرار گرفت. در اهداف اولیه ایجاد مبادلات مرزی (بازارچه‌ها و تعاونی‌های مرزنشینی)، همانگونه که در منابع رسمی آمده^۱ (ارتقا بخشیدن به سطح زندگی اقتصادی- اجتماعی مردم مرزنشین، ایجاد اشتغال سالم، درآمدهای مشروع و قانونی برای مرزنشینان و کاهش قاچاق) بوده است (محمودی و حسن‌زاده، ۱۳۸۳). اولین بازارچه مرزی کشور در سال ۱۳۶۸ در مرز ایران و ترکیه در نقطه مرزی ساری‌سو ایجاد گردید. اما بطور رسمی بازارچه‌ها از سال ۱۳۷۲ تأسیس شده‌اند. ماده ۱۱ قانون مقررات صادرات و واردات این امکان را برای دولت فراهم نموده که در هر یک از مناطق مرزی که ایجاد بازارچه مرزی را مفید تشخیص می‌دهد با رعایت اولویتهایی نظیر استعداد محلی، ضرورت اشتغال و توسعه روابط تجاری با کشورهای همسایه نسبت به ایجاد بازارچه اقدام نماید. براساس ماده ۲۲ آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات، اهالی دوطرف مرز می‌توانند کالاها و محصولات مورد نیاز خود را در این بازارچه‌ها عرضه نمایند. به دنبال تصویب قانون مذکور، در سالهای بعد از آن بازارچه‌های مرزی در کلیه نواحی مرزی کشور به شدت گسترش یافت (دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۸۳).

به‌طور کلی براساس وضعیت گذشته و موجود، مبادلات مرزی همواره به دو شیوه رسمی و غیررسمی جریان داشته است.

- ۱- مبادلات رسمی: اینگونه مبادلات توسط تجار ایرانی از سالهای بعد از جنگ جهانی دوم مطابق با قوانین جاری صادرات و واردات کشور انجام می‌شده است و بسته به شرایط و وضعیت عرضه و تقاضای کالاهای مبادله شده طرفین، از شدت و ضعف برخوردار بوده است.
- ۲- مبادلات غیررسمی (قاچاق): این نوع مبادلات به تناسب دوری و نزدیکی مرزهای خاکی به بازارهای مصرف و توزیع، در تمامی نوار مرزی ایران و پاکستان جریان داشته و عمدتاً بر محور واردات کالاهای لوکس و مصرفی نظیر پارچه و کریستال استوار بوده است (پهلوانی و دهمرده، ۱۳۸۲).

۲-۲- مبانی اقتصادی ایجاد بازارچه‌های مرزی

فعالیت بازارچه‌های مرزی میان ایران و کشورهای همسایه را می‌توان در چارچوب مدل‌های گسترش تجارت و همکاریهای منطقه‌ای قلمداد کرد. با گسترش تسهیلاتی که دو کشور همسایه در راستای تسهیل فعالیت‌های تجاری وضع می‌نمایند، می‌توانند سبب برخورداری مردم هر دو کشور از مزایای تجارت شوند. ضمن آنکه گسترش مبادلات تجاری میان دو کشور باعث ایجاد اطمینان در اهالی دو کشور شده، از بروز کشمکش و نزاع جلوگیری می‌نماید. از جمله شواهد تجربی در این امر می‌توان به تشکیل اتحادیه اروپا در سال ۱۹۵۷ اشاره کرد (رازینی و باستانی، ۱۳۸۱).

- رویکردهای برنامه‌ریزی رشد و توسعه مناطق مرزی و محروم

کشورهای جهان سوم، رویکردهای بسیاری برای توسعه و رشد پایدار در مناطق حاشیه و دورافتاده اتخاذ کرده‌اند که برخی بر توسعه کشاورزی تأکید دارند، حال آن که در برخی دیگر، توسعه زیرساخت‌ها از قبیل زیرساخت‌های فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی این مناطق مدنظر است. در این‌جا تلاش خواهد شد مروری گذرا بر رویکردهای برنامه‌ریزی و رشد و توسعه برای این مناطق آورده شود که شامل رویکردهای رشد و توسعه اجتماع محلی، رویکرد عملکردهای شهری در توسعه روستایی^۲ (یو. اف. آر. دی) و رویکرد برنامه‌ریزی مراکز روستایی است که به ترتیب در زیر بیان می‌شوند:

- در رویکرد توسعه اجتماع محلی^۳ توسعه به فرایندی کلی قلمداد می‌شود که برای فراهم آوردن عدالت اجتماعی بیشتر، اصلاحات ساختاری و نهادی را طلب می‌کند. طراحان این رویکرد مدعی بودند که بدون تحول انقلابی در نظم سیاسی و اقتصادی موجود، تأمین رفاه مادی و معیشتی روستاییان محقق نمی‌شود. در رویکرد اجتماع محلی، اصالت به جامعه و گروه‌های تشکیل‌دهنده آن تعلق دارد؛ برعکس اجتماعی و ایجاد طرح‌های توسعه برای ایجاد تحول بر عموم زمینه‌های مرتبط تأکید می‌شود و تغییر و تکامل در نظام‌های اجتماعی و سازماندهی امور جامعه، ضروری است. رویکرد نوین توسعه اجتماع محلی (۱۹۹۰) تلاش دارد که مردم را از حالت بازیگران منفعل به بازیگران فعال در فرایند توسعه تبدیل نماید و توجه خاصی در خط‌مشی‌های دولت، فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی دارد و نیز به دنبال آن است که دولت‌های مرکزی را به همکاری با نهادهای محلی در فرایند توسعه ترغیب و به این رهگذر از طریق هم‌نوایی این نواحی حاشیه با مرکز کشور، سطح اعتماد آنان را به دولت مرکزی، جلب و عامل‌های توسعه را به آن مناطق وارد نماید.

- رویکرد عملکردهای شهری در توسعه روستایی تلاش می‌کند تا روابط میان عدالت اجتماعی، رشد اقتصادی و توزیع فضایی خدمات، تسهیلات، زیرساخت‌ها و فعالیت‌های مولد را در مناطق فقیر و محروم به آزمون بگذارد. آن‌ها معتقدند که عملکرد مراکز شهری برای تحریک رشد در اقتصادهای روستایی و محروم و افزایش دسترسی فقرای روستایی به این‌گونه خدمات یک امر اساسی است. زیرا که مراکز شهری می‌توانند بازار، کالا، بهداشت، آموزش و سایر خدماتی را که نواحی روستایی از فقدان آن‌ها رنج می‌برند، فراهم سازد. بر این اساس پیش‌فرض‌های عمده این رویکرد عبارتند از:

۱- مردم در اندازه‌های متفاوت سکونتگاهی در مرز و مرکز توزیع شده‌اند؛

۲- آن‌ها علاوه بر نیازهای طبیعی - زیستی، نیازهای اجتماعی - اقتصادی نیز دارند؛

^۱ - آیین‌نامه اجرایی بازارچه‌های مرزی، مصوب ۱۳۷۱/۵/۱۱

^۲ - Urban function for rural development

^۳ - Community development



۳- منابعی که افراد ساکن در مرز و حاشیه برای تأمین نیازهای اساسی خود به کار می‌گیرند، محدود است، در حالی که نیازهای آن‌ها، نامحدود و به عبارتی فراتر از منابع محدود است؛ در نتیجه:

۴- آن‌ها در جستجوی کالاها و خدماتی که در سکونتگاه‌هایشان قابل دسترسی نیست، به مکان‌های دیگر کوچ می‌کنند و بدین ترتیب، جمعیت مناطقی که در آن کالاهای اساسی برای زندگی وجود ندارد، به تدریج کم و کمتر خواهد شد و احساس تعلق به زمین و سرزمین را از بین می‌برد (سعیدی، اسماعیل زاده و عبدالله پور، ۱۳۸۸).

• رویکردهای انسان‌شناختی اقتصادی^۱ بازارچه‌های مرزی

از نظر انسان‌شناسی اقتصادی، اهمیت بازار به حدی است که شهر بدون وجود بازار، غیرقابل تصور است (کریمی، ۱۳۸۴). بازار به مثابه عرصه اجتماعی و فرهنگی، همواره مکانی برای بخشی از فعالیت‌های انسان اجتماعی بوده است. درحقیقت بازار از دیرباز مکانی بوده که در آن حاصل فعالیت‌های انسانی مبادله می‌شده است. نتایج فعالیت‌های انسانی، به منزله محصولات فرهنگی، هم برای برآوردن نیازهای انسانی و هم به منظور عینیت بخشی به قابلیت‌های انسانی به بازار عرضه می‌شده است. از این رو بازار، از سویی جنبه اقتصادی و از سویی دیگر ابعاد اجتماعی و فرهنگی داشته است. درعین حال بازار مکانی است که در آن تبادل فرهنگی و مبادله محصولات و ارتباطات انسانی توأم انجام می‌شود. به تعبیری بازار مکانی است که افشار و طبقات و گروه‌های مختلف قومی و نژادی در ارتباط با یکدیگر قرار گرفته و به شکلی ناخودآگاه یکدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند و باعث اشاعه عناصر و پدیده‌های فرهنگی از یک حوزه فرهنگی به حوزه‌های دیگر فرهنگی می‌شود (اصغری خانقاه، ۱۳۸۱).

محققان علوم اجتماعی و به ویژه انسان‌شناسان بر این باورند که اقتصاد در یک فضای ایزوله نیست و عمل اقتصادی با در نظر داشتن عوامل غیر اقتصادی مانند مسائل اجتماعی و فرهنگی قابل تعریف است. در بررسی نظریات ارائه شده در حوزه علم اقتصاد، نظریه نهادگرا از جمله تئوری‌های قابل استفاده در مطالعات انسان‌شناسی اقتصادی است. در این الگو، بیش از هر چیز نهادها مورد توجه پرسشگر است. آنچه نظریه نهادگرایی را به انسان‌شناسی اقتصادی پیوند می‌زند، نگاه این نظریه به موضوع اقتصاد و تأکید آن بر نهادها و انسان اجتماعی (برخلاف انسان اقتصادی دیدگاه نئوکلاسیک) است. انسان‌شناسان اقتصادی نیز به دلیل توجه این مکتب فکری به نقش انسان و شرایط اجتماعی و فرهنگی وی، آن را بیش از دیگر نظریات بازتاب‌کننده اهداف مطالعات انسان‌شناختی، اقتصادی می‌دانند (کریمی، ۱۳۸۴).

• رویکرد نهادگرایی اقتصادی^۲ بازارچه‌های مرزی

این رویکرد در پی یافتن راه‌کارهایی برای تحرک بخشیدن به منابع محلی و انجام تغییرات نهادی، متناسب با شرایط و الزامات توسعه منطقه است. نهادگرایی منطقه‌ای، تحرک بخشیدن به توسعه منطقه‌ای بر اساس گشودن گره‌ها و به فعالیت درآوردن ظرفیت‌های محلی و ایجاد طرح‌های عمرانی و توسعه‌ای و در کنار آن، استفاده از ابزارهای مناسب برای تحقق این اهداف است که از جمله مهمترین آنها نهادها و سازمان‌های توسعه و عمران منطقه‌ای به عنوان ملاک‌های اصلی توسعه منطقه‌ای، محلی و روستایی است. اشتغالزایی، سرآمد تمام سیاست‌هایی است که می‌تواند اقتصاد منطقه را به تحرک وادارد. در این راستا تلاش در جهت شناسایی کارآفرینان و ایجاد انگیزه‌های کارآفرینی منطقه‌ای به‌ویژه در مناطقی که با مشکلات بیکاری ساختاری مواجه هستند از سیاست‌های اصلی رویکرد نهادگرایی توسعه منطقه‌ای است. در چنین مناطقی، عمق و مقیاس بیکاری و نیز ساختار ضعیف اقتصادی، امکان تحقق اشتغال کامل و به‌ویژه بهبود در وضعیت رفاهی آن منطقه را غیرممکن می‌سازد.

یکی از سیاست‌های اساسی رشد و توسعه منطقه‌ای نهادگرا، ضرورت توجه به سازمان‌ها و نهادهای محلی، همچنین توجه به مزیت نسبی منطقه و در صورت لزوم، انجام تغییرات نهادی وسیع با هدف رفع موانع موجود در مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه است. امروزه این مسأله به طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته است که توسعه چنین مناطقی باید از طریق به تحرک واداشتن ظرفیت‌ها و مزیت‌های محلی و منطقه‌ای تحقق پذیرد (امین^۳، ۱۹۹۹).

بدین ترتیب، با الهام از نظریات مطرح شده می‌توان گفت با توجه به این که مبانی نظری توسعه منطقه‌ای و تفسیر عدم تعادل‌های منطقه‌ای، مبتنی بر منشأ اقتصادی یا جغرافیایی بوده است، عمدتاً نظریات برنامه‌ریزی منطقه‌ای توسط اقتصاددانان یا جغرافی‌دانان مطرح شده و تکامل یافته است. از جنبه اقتصادی هم هرچند برای بازارچه‌ها نمی‌توان مبنای مستقل اقتصادی تعیین نمود، اما می‌توان آن را در چارچوب مدل‌های رشد و همگرایی منطقه‌ای و گسترش تجارت آزاد، مورد بررسی قرار داد. مفهوم بازار هم به عنوان اصلی‌ترین نمود اقتصاد به‌ویژه در جوامع در حال توسعه به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی در مطالعه جامعه‌شناسی اقتصادی، همچنان تحت تسلط نظریه‌های اقتصادی است (سعیدی، اسماعیل زاده و عبدالله پور، ۱۳۸۸).

۲-۳- جایگاه بازارچه‌های مرزی در تجارت بین‌الملل

برای ایجاد بازارچه‌های مرزی نمی‌توان مبنای مستقل اقتصادی تعیین نمود، اما می‌توان آن را در چارچوب مدل‌های رشد و همگرایی منطقه‌ای و گسترش تجارت آزاد مورد بررسی قرار داد. الگوهای رشد اقتصادی نظریاتی هستند که برای تفسیر و توضیح واقعیت‌های مشاهده‌شده در زمینه رشد در سطح جهانی ارائه شده‌اند. برخی از مهم‌ترین این واقعیات، عبارتند از: وجود اختلاف زیاد در درآمدهای سرانه اقتصاد کشورها، تفاوت زیاد نرخ‌های رشد

^۱ - Economic Human cognitive approach

^۲ - Economic institutionalism approach

^۳ - Amin



در میان کشورها، ثابت نبودن نرخ‌های رشد در طول زمان، ارتباط نزدیک رشد تولید با رشد حجم تجارت جهانی و کم بودن نرخ رشد کشورهای فقیر. برای قالب‌بندی این واقعیات و تشخیص علل و عوامل به‌وجود آورنده آنها و نیز شناخت عواملی که به رشد اقتصادی کشورها کمک کرده و به تبع آن، لحاظ نمودن آنها در فرایند تصمیم‌گیری‌های سیاستی، الگوها و تئوری‌های رشد از اهمیت به‌سزایی برخوردارند (محمدی و سلمانی، ۱۳۷۳).

مطالعات در زمینه رشد اقتصادی شامل سه جریانی است که از نظر تاریخی و روش‌شناختی متفاوت است:

(۱) اولین جریان، جریان کلاسیک است که پیشگامان آن دیوید هیوم^۱ و آدام اسمیت هستند. این جریان در قرن هیجدهم شکل گرفت و با جان استوارت میل^۲ و کارل مارکس^۳ در اواسط قرن نوزدهم پایان یافت.

(۲) جریان دوم نئوکلاسیک است که به تحقیق در زمینه رشد با داده‌های آماری جدید که بعد از جنگ جهانی دوم فراهم شد. نظرات نئوکلاسیکی، پیشرفت تکنولوژی را به‌عنوان عامل برون‌زا و انباشت سرمایه را به‌عنوان عامل درون‌زای رشد تولید در نظر می‌گیرد. آثار مؤثر در این جریان، متعلق به روبرت سولو^۴، سیسمون کوزنتس^۵، موزز آبراموویتز^۶، هولیس چنری^۷ و ادوارد دنیسون^۸ است.

(۳) سومین و جدیدترین جریان، جریان درون‌زا است که فرضیات نئوکلاسیک و کلاسیک‌ها در مورد بازارهای ایده‌آل و بازده نزولی عوامل به ویژه سرمایه را رد می‌کند. عبارت رشد درون‌زا در مجموعه متنوعی از کارهای نظری و تجربی پدید آمده در دهه ۱۹۸۰ وارد عرصه اقتصاد شده است. رشد درون‌زا با تأکید بر این نکته که رشد اقتصادی، پیامد سیستم اقتصادی است؛ نه نتیجه نیروهای وارده از خارج، خود را از رشد نئوکلاسیکی متمایز می‌سازد. آنها فعالیت‌های مبتنی بر نوآوری با جهت‌گیری تجارت در واکنش به محرکه‌های اقتصادی را به‌عنوان موتور اصلی پیشرفت تکنولوژی و رشد اقتصادی در نظر می‌گیرند. چهره‌های اصلی این جریان کنت ارو^۹، روبرت لوکاس^{۱۰}، چین گروسمن^{۱۱} و الهانا هلیمن^{۱۲} هستند (پژوهان و فقیه‌نصیری، ۱۳۸۸).

همانطور که در ادبیات اقتصادی بیان شده است، مبانی اولیه مربوط به نقش تجارت خارجی در رشد اقتصادی به مکتب سوداگری^{۱۳} باز می‌گردد. از دیدگاه این مکتب تراز تجاری مثبت، سبب شکوفایی و رشد اقتصادی می‌شود. نظریه کلاسیک‌ها پس از این مکتب، مهم‌ترین نظریه طرفدار تأثیر مثبت تجارت بر رشد اقتصادی است. برای مثال آدام اسمیت^{۱۴} براساس اصل تقسیم بین‌المللی کار و مزیت مطلق عقیده داشت که نفع حاصل از مبادلات خارجی یک کشور به ضرر کشور دیگر نیست و در عمل هر دو طرف مبادله از منافع آن بهره‌مند می‌شوند.

در دوره نئوکلاسیک‌ها، گرایش به سمت رشد اقتصادی با مطالعات سولو تجدید حیات یافت. سولو به وضوح تأثیرات رشد اقتصادی را از تأثیرات سطح جدا ساخت. در نتیجه تجارت خارجی که در نهایت یک اثر سطح به شمار می‌آید و تأثیرات مثبتی بر دوره زمانی گذرا به جای می‌نهد، بر نرخ بلند مدت رشد اقتصادی تأثیری ندارد. بنابراین بطور خلاصه می‌توان گفت که در طول دو قرن گذشته، اقتصاددانان تأکید فراوانی بر اهمیت تجارت خارجی در رشد اقتصادی داشته‌اند. از میان کلاسیک‌ها، آدام اسمیت تجارت خارجی را وسیله‌ای برای گسترش بازار داخلی، تقسیم کار و افزایش تولیدات می‌دانست. نئوکلاسیک‌ها نیز از تأثیر آن بر رشد اقتصادی کشورها غافل نبوده‌اند. آلفرد مارشال در نوشته‌های خود به اهمیت بازرگانی در رشد اشاره کرده است. همچنین عده‌ای از نظریه‌پردازان اقتصاد بین‌الملل مانند بالاسا^{۱۵}، کوآن و همکاران^{۱۶} و بادینگر و تندل^{۱۷} با اعتقاد فوق‌العاده به نقش تجارت در رشد و توسعه اقتصادی، از آن به عنوان موتور رشد نام می‌برند.

نظریه‌های رشد مبتنی بر تجارت خارجی، تأکید می‌کند که تجارت خارجی از طریق بهبود تخصیص منابع، دسترسی به فناوری و کالاهای واسطه‌ای بهتر، استفاده از صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس تولید، افزایش رقابت داخلی، ایجاد محیطی مناسب برای ابداعات و ارتقای بهره‌وری عوامل تولید بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد (حیدری، ۱۳۸۱).

^۱ - David Hume: ۱۷۱۱-۱۷۷۶

^۲ - Stuart Mill: ۱۸۰۶-۱۸۷۳

^۳ - Karl Marx: ۱۸۱۱-۱۸۸۳

^۴ - Robert Solow: ۱۹۲۴

^۵ - Simson Kuznets: ۱۹۰۱-۱۹۸۵

^۶ - Moses Abramovitz: ۱۹۱۲-۲۰۰۰

^۷ - Hollis Burnley Chenery: ۱۹۱۸-۱۹۹۴

^۸ - Edward Fulton Denison: ۱۹۱۵-۱۹۹۲

^۹ - Kenneth Joseph Arrow: born in ۱۹۲۱

^{۱۰} - Robert Emerson Lucas: born in ۱۹۳۷

^{۱۱} - Gene Michael Grossman: born in ۱۹۵۵

^{۱۲} - Elhanan Helpman: born in ۱۹۴۶

^{۱۳} - Mercantilists

^{۱۴} - Smith, Adam: ۱۷۲۳-۱۷۹۰

^{۱۵} - Balassa: ۱۹۷۸

^{۱۶} - Lwan, et al.: ۱۹۹۶

^{۱۷} - Badinger and Tondl: ۲۰۰۲



۲-۴- بازارچه‌های مرزی استان سیستان و بلوچستان و عملکرد آنها

استان سیستان و بلوچستان دارای ۷ بازارچه فعال بوده که پنج بازارچه آن در مرز مشترک با پاکستان شامل میرجاوه در زاهدان، پیشین در سرباز، کوهک و جالق در سراوان، ریمدان در چابهار و همچنین دو بازارچه مرزی در مرز مشترک با افغانستان (میلک و گمشاد در زابل) نقش به‌سزایی در مبادلات بازرگانی با کشورهای همسایه دارند.

بطور کلی از مجموع ۵۲ بازارچه مصوب در سطح کشور ۹ بازارچه و از مجموع ۲۸ بازارچه فعال آن ۷ بازارچه متعلق به استان سیستان و بلوچستان بوده که از این حیث دارای بالاترین تعداد بازارچه‌های مصوب و فعال در میان استان‌های مرزی کشور می‌باشد (پنجره واحد سرمایه‌گذاری و کارآفرینی استان سیستان و بلوچستان).

جدول (۲) آمار صادرات و واردات بازارچه‌های مرزی استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۸۸، منبع: <http://www.iw-sb.ir>

عملکرد	ارزش میلیون دلار	درصد تغییر نسبت به سال قبل	وزن هزار تن	درصد تغییر نسبت به سال قبل
صادرات	۷۸	+۸۶	۱۰۳	+۵۳
واردات	۱۷	+۴۲	۲۴	-۷

جدول (۳) سهمیه ارزی بازارچه‌های مرزی استان سیستان و بلوچستان، منبع: <http://www.iw-sb.ir>

سال	میزان سهمیه میلیون دلار	میزان جذب سهمیه درصد
۱۳۸۷	۵۰	٪۲۴
۱۳۸۸	۷۰	٪۲۴
مقایسه	+۴۰	.

صادرات از گمرکات و بازارچه‌های مرزی استان در شش ماهه اول سال جاری ۸۱ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش داشته است. کل صادرات طی ۱۱۴ فقره اظهارنامه به وزن ۶۷۱ هزار و ۱۵۵ تن و ارزش ۲۲۹ میلیون و ۷۴۶ هزار و ۷۷۱ دلار رسیده است.

تسهیل و روانسازی در صادرات، هماهنگی با ادارات و سازمان‌های مرتبط، اعطای مشوق‌های صادراتی، آماده سازی زیرساخت‌ها و بسترهای لازم برای صادرات، افزایش کیفیت کالاها و بسته‌بندی مناسب از جمله دلایل افزایش میزان صادرات است. خرما، آهن قراضه، مصالح ساختمانی مانند سیمان، گچ، شن و ماسه، قیر، تخم گشنیز، محصولات شیمیایی و مواد غذایی از جمله کالاهای صادراتی از سیستان و بلوچستان به سایر کشورها می‌باشد. طی همین مدت بیش از ۱۰۰ هزار تن کالا به ارزش ۹۱ میلیون و ۱۱۶ هزار و ۶۸۷ دلار نیز از بازارچه‌های مرزی استان صادر شده است به گونه‌ای که میزان واردات ما از بازارچه‌های مرزی ۱۵ تن با ارزش ۲۹ میلیون و ۲۷۸ هزار و ۳۳۸ دلار بوده است. صادرات استان از بازارچه‌های مرزی طی شش ماهه گذشته به وزن ۷۵ هزار و ۳۵۵ تن و ارزش ۵۹ میلیون و ۲۴۰ هزار و ۲۵۹ دلار بوده است و امسال شاهد افزایش ۶۸ درصدی در وزن و ۶۵ درصدی در ارزش کالاهای صادراتی هستیم (سازمان صنعت معدن و تجارت سیستان و بلوچستان).

۲-۵- برخی تاثیرات بازارچه‌های مرزی بر بخش‌های مختلف اقتصادی

- تاثیر بازارچه‌های مرزی بر بخش کشاورزی

کشاورزی در استان ضمن ایجاد اشتغال می‌تواند بسیاری از احتیاجات غذایی منطقه و سبب اشتغال در صنایع تبدیلی و شغل‌های خدماتی مربوطه شود و این امر مستلزم سرمایه‌گذاری و توجه به این بخش می‌باشد (دهمرد و شهرکی، ۱۳۸۲). از زمان تأسیس بازارچه مرزی به بعد شاهد کاهش آمار کشاورزان در مناطق مرزی بوده‌ایم که کارشناسان مراکز کشاورزی این کاهش آمار کشاورزان را ناشی از درآمدی که از طریق بازارچه مرزی بدست آورده‌اند، می‌دانند. چون کشاورزی در استان به صورت سنتی و کاربر است و در مدت شش ماه مقدار ناچیزی درآمد از محصولات کشاورزی بدست می‌آورند را



از طریق حمل کالا و یا فروش آنها در بازارچه مرزی کسب می کنند، به همین علت دیگر هیچ میلی برای کشاورزی نداشته، زمینهای کشاورزی را رها کرده و به قاچاق کالا از طریق بازارچه مرزی مشغول می شوند و دیگر اینکه کشاورزان برای حمل کالا هیچ هزینه ای پرداخت نمی کنند، در حالی که برای کشاورزی باید هزینه های هنگفتی از قبیل هزینه شخم، خرید کود، سم، برداشت و... بپردازند و این امر خود باعث خروج کشاورزان از عرصه کشاورزی می شود (دهمرد، ۱۳۸۷).

لازم به ذکر است که، با ساماندهی و کنترل مرز و جلوگیری از خروج سوخت و کالای قاچاق، کشاورزی رونق یافت و دامداری دوباره احیا شد و تردهای بی مورد و سراسام آور قاچاقچیان کالا و سوخت در جاده ها به شدت کاهش یافته و جمع کثیری از قاچاقچیان دیگر شهرها که برای قاچاق سوخت و کالا به سیستان مهاجرت کرده بودند، به شهرهای خود برگشته اند.

• تأثیر بازارچه های مرزی بر بخش خدمات بازرگانی

بخش بازرگانی و دادوستد منطقه از جمله بخشهایی است که با اتکا بر آن و ساماندهی فعالیت هایی که در حال حاضر به شکل رسمی و غیررسمی و آشکار و پنهان در این بخش صورت می پذیرد می توان پاره ای از معضلات و مشکلات منطقه را تخفیف داد و عرصه را برای تقویت و تجهیز سایر زمینه های اقتصادی و اجتماعی و دیگر منابع تولیدی استان در درازمدت مساعد گردانید. توسعه بخش بازرگانی استان به عنوان محور فعالیت در کوتاه مدت و درازمدت، با توجه به شرایط جغرافیایی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی منطقه لاجرم تمرکز برگسترش مبادلات برون مرزی و بازرگانی خارجی استان را که در نقاط مرزی جریان دارد الزامی می سازد.

طرح ایجاد بازارچه های مرزی همسو با راهبرد توسعه استان بامحوریت بخش بازرگانی و هماهنگی با خطمشی های برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به منظور ساماندهی به مبادلات برون مرزی و کمک به رفع مشکلات موجود و توسعه منطقه صورت پذیرفته است (پهلوانی و نظردهمرد، ۱۳۸۲).

• تأثیر بازارچه های مرزی بر کار و اشتغال

یکی از اهداف مهم بازارچه های مرزی، ایجاد شغل برای مردم مرزنشین است. خوشبختانه بازارچه های مرزی مصداق و تبلور عینی حضور مردم در امور اقتصادی است به نحوی که بازارچه های مرزی هم توانسته در تحقق یکی از اهداف برنامه سوم کشور یعنی توسعه صادرات غیرنفتی گام های مؤثری بردارد و هم در ایجاد فرصت های شغلی، در شرایطی که یکی از مهمترین دغدغه های دولت مشکل بیکاری است به اهداف خود برسد. می توان گفت در حال حاضر، تعدادی از مردم مرزنشین استان در قالب غرفه دار، مباشر، کارمند، کارگر، راننده و غیره به صورت مستقیم و غیرمستقیم، در امور مختلف خدماتی و غیر در بازارچه های استان مشغول به فعالیت می باشند (علیخانی، ۱۳۸۳).

یکی از اثرات مثبت بازارچه های مرزی ایجاد شغل برای جوان از طریق فروش اجناس می باشد که به دو طریق عمده صورت می گیرد:

۱- فروش اجناس در دیگر شهرهای ایران

۲- خرید از مرز کشور و فروش در بازارچه (دهمرد، ۱۳۸۷).

• آثار ایجاد بازارچه های مرزی بر تولیدات استانی

با توجه به اینکه اطلاعات جامعی از تولیدات استانی در طول دوره مورد بررسی بدست نیامده لذا امکان تحلیل جامع این امر مقدور نمی باشد اما براساس برخی گزارشات ارسالی از سوی اداره کل بازرگانی و سازمانهای بازرگانی استانها ملاحظه می شود، در برخی استانها بخش عظیمی از تولیدات استانی از طریق بازارچه ها صادر می شود. لذا به نظر می رسد صادرات بازارچه ها آثاری مثبت بر تولیدات استانی داشته است، اگر چه به دلیل نبود اطلاعات جامع امکان اندازه گیری کمی آثار بازارچه ها بر تولیدات استانی مقدور نیست اما در مجموع نمی توان آثار مثبت این بازارچه ها بر تولیدات استانی شد. ضمن آنکه نباید فراموش کرد برخی از تجار با صدور کالاهای بدون کیفیت تولید شده در داخل کشور، باعث سوء شهرت و بدنامی کالاهای ایرانی می شود. این مسئله یکی از مشکلات بازارچه ها برای صادرات کشور محسوب می شود (رازینی و باستانی، ۱۳۸۱).

۳- توسعه فرضیه ها و مدل مفهومی

فرضیه پاسخ مقدماتی به مسئله تحقیق می باشد و به شکل رابطه بین متغیر مستقل و متغیر وابسته بیان می شود. بر این اساس فرضیه های تحقیق حاضر به شرح زیر عنوان گردیده است:

فرضیه اصلی: بین فعالیت بازارچه های مرزی استان سیستان و بلوچستان و رشد اقتصادی منطقه رابطه معناداری وجود دارد.
فرضیه های فرعی:

۱- بین فعالیت بخش کشاورزی ناشی از فعالیت بازارچه های مرزی و رشد اقتصادی منطقه رابطه معناداری وجود دارد.

۲- بین فعالیت بخش خدمات ناشی از فعالیت بازارچه های مرزی و رشد اقتصادی منطقه رابطه معناداری وجود دارد.

۳- بین فعالیت بخش صنعت ناشی از فعالیت بازارچه های مرزی و رشد اقتصادی منطقه رابطه معناداری وجود دارد.

۴- بین اشتغال زایی ناشی از فعالیت بازارچه های مرزی و رشد اقتصادی منطقه رابطه معناداری وجود دارد.



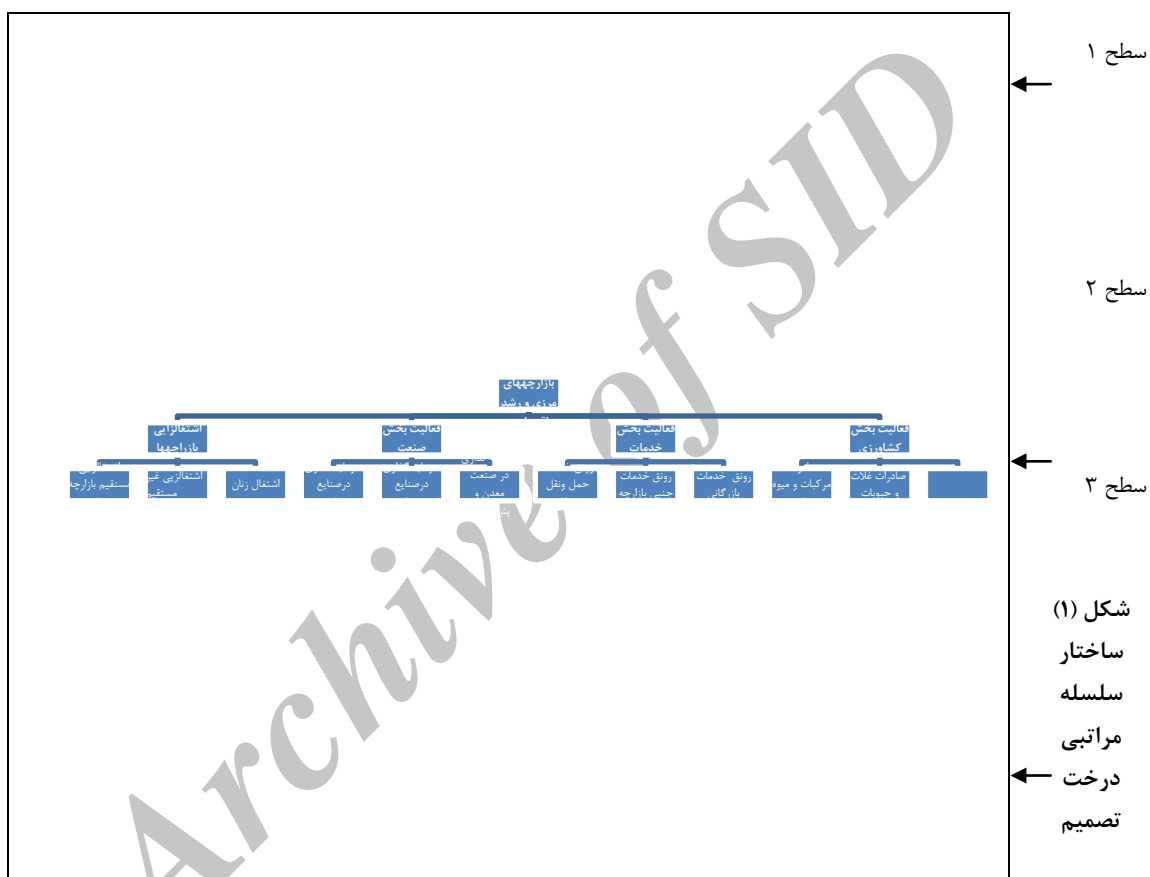
همچنین داده‌های مورد نظر در راستای طراحی مدل و سطوح مختلف درخت تصمیم گردآوری شده است. شکل ۱ ساختار سلسله مراتبی از سطوح اهداف، معیارها و گزینه‌ها را نشان می‌دهد.

سطح اول: هدف این تحقیق، تعیین بررسی فعالیت بازارچه‌های مرزی و رشد اقتصادی منطقه می‌باشد.

سطح دوم: معیارهای سطح دوم که شامل بررسی فعالیت بازارچه‌های مرزی است:

- (۱) فعالیت بخش کشاورزی ناشی از فعالیت بازارچه‌های مرزی
- (۲) فعالیت بخش خدمات ناشی از فعالیت بازارچه‌های مرزی
- (۳) فعالیت بخش صنعت ناشی از فعالیت بازارچه‌های مرزی
- (۴) اشتغال‌زایی ناشی از فعالیت بازارچه‌های مرزی

سطح سوم: زیرمعیارهای سطح سوم که شامل عوامل تشکیل دهنده هر یک از چهار معیار اثرات اقتصادی است.



۴- تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

هدف از انجام این پژوهش بررسی و تحلیل اثرات فعالیت بازارچه‌های مرزی استان سیستان و بلوچستان بر روی ساختارهای اقتصادی مبادلات غیررسمی شهرهای مرزنشین استان و نیز مناطقی که در تعامل مستقیم با این بازارچه قرار دارند.

در این تحقیق، تلاش شده تا با استفاده از منابع مکتوب نخست اجزای عناصر اثرات اقتصادی ناشی از فعالیت بازارچه‌های مرزی مشخص شوند و سپس طی یک تحقیق میدانی تأثیر هر یک از این عوامل بر رشد اقتصادی منطقه را از دیدگاه جامعه آماری، مورد بررسی قرار گیرد. تعداد ۴۰ نفر از جامعه خبرگان شامل کارشناسان شهرهای مرزی منطقه سیستان و بلوچستان، بطور تصادفی انتخاب شده و با استفاده از پرسشنامه که براساس روایی محتوایی طراحی و تنظیم شده و اعتبار آن تأیید شده است، اطلاعات مورد نیاز تحقیق گردآوری شده است. ابتدا اطلاعات مربوط به نمونه آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند تا ارتباط بین متغیرها از طریق ضریب همبستگی پیرسون بررسی شود. همچنین در مورد اهمیت هر یک از عوامل و زیرمعیارها در مقایسه با یکدیگر، پرسش شده و براساس روش سلسله مراتبی (AHP) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نتایج زیر به دست آمده است:

- آزمون ضریب همبستگی پیرسون



درخصوص آزمون فرضیه‌های فرعی تحقیق: با توجه به جدول‌های (۴) و (۵) و (۶) و (۷)، سطح معنی‌داری آزمون از ۰,۰۵ کوچکتر است و مقدار همبستگی پیرسون برای متغیرهای مورد بررسی مثبت و معنادار است. به عبارت دیگر افزایش تحرک در بخش کشاورزی، خدمات، صنعت و اشتغال‌زایی ناشی از فعالیت بازارچه‌های مرزی باعث افزایش رشد اقتصادی منطقه می‌شود.

جدول (۴) آزمون ضریب همبستگی پیرسون فرضیه فرعی اول

متغیر	سطح خطا	سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	تایید فرضیه
فعالیت بخش کشاورزی و رشد اقتصادی	۰,۰۵	۰,۰۰۰	۰,۵۹	H_1

جدول (۵) آزمون ضریب همبستگی پیرسون فرضیه فرعی دوم

متغیر	سطح خطا	سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	تایید فرضیه
فعالیت بخش خدمات و رشد اقتصادی	۰,۰۵	۰,۰۰۰	۰,۴	H_1

جدول (۶) آزمون ضریب همبستگی پیرسون فرضیه فرعی سوم

متغیر	سطح خطا	سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	تایید فرضیه
فعالیت بخش صنعت و رشد اقتصادی	۰,۰۵	۰,۰۰۰	۰,۶۲	H_1

جدول (۷) آزمون ضریب همبستگی پیرسون فرضیه فرعی چهارم

متغیر	سطح خطا	سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	تایید فرضیه
اشتغال‌زایی و رشد اقتصادی	۰,۰۵	۰,۰۰۰	۰,۵۵	H_1

همچنین درخصوص آزمون فرضیه اصلی تحقیق: با توجه به جدول (۸)، سطح معنی‌داری آزمون از ۰,۰۵ کوچکتر است و مقدار همبستگی پیرسون برای متغیرهای مورد بررسی مثبت و معنادار است. به عبارت دیگر افزایش فعالیت بازارچه‌های مرزی باعث افزایش رشد اقتصادی منطقه می‌شود.

جدول (۸) آزمون ضریب همبستگی پیرسون فرضیه اصلی

متغیر	سطح خطا	سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	تایید فرضیه
فعالیت بازارچه‌های مرزی و رشد اقتصادی	۰,۰۵	۰,۰۰۰	۰,۷۳	H_1

• اولویت‌بندی معیارها و زیرمعیارها براساس تحلیل AHP

ماتریس مقایسات زوجی مشاهدات با استفاده از میانگین هندسی محاسبه شده است. در این روش، بعد از تشکیل ماتریس مقایسات زوجی، ابتدا میانگین هندسی هر یک از سطرها را محاسبه می‌شود؛ سپس در مرحله دوم ماتریس ستونی حاصل با تقسیم هر یک از مؤلفه‌هایش بر مجموع مؤلفه‌های موجود نرمالیزه می‌گردد. ماتریس ستونی جدید حاصل شده همان ماتریس وزن شاخص‌های مسئله مورد نظر است. فرم ریاضی این روش را در رابطه زیر می‌توان مشاهده نمود.



$$\begin{bmatrix} a_{11} & \dots & a_{1n} \\ \vdots & \ddots & \vdots \\ a_{n1} & \dots & a_{nn} \end{bmatrix} \xrightarrow{1} \begin{bmatrix} \sqrt[n]{a_{11} \dots a_{1n}} \\ \vdots \\ \sqrt[n]{a_{n1} \dots a_{nn}} \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} \pi_1 \\ \vdots \\ \pi_n \end{bmatrix} \xrightarrow{2} \begin{bmatrix} \frac{\pi_1}{\sum_{i=1}^n \pi_i} \\ \vdots \\ \frac{\pi_n}{\sum_{i=1}^n \pi_i} \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} W_1 \\ \vdots \\ W_n \end{bmatrix}$$

با توجه به جدول (۹)، معیار تحرک بخش صنعت با وزن نسبی ۰/۳۶۲ بیشترین اهمیت را دارد. بنابراین در بین عناصر اصلی فعالیت بازارچه‌های مرزی استان سیستان و بلوچستان، بر رشد اقتصادی منطقه بیشترین تاثیر را دارد و معیارهای تحرک بخش کشاورزی با وزن نسبی ۰/۲۶۴ و تحرک بخش خدمات با وزن نسبی ۰/۲۱۲ و اشتغال‌زایی با وزن نسبی ۰/۱۶۲، به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار دارند.

جدول (۹) اولویت‌بندی معیارهای اصلی

اولویت	وزن	عناصر رابطه فعالیت بازارچه‌های مرزی و رشد اقتصادی	ردیف
۱	۰,۳۶۲	فعالیت بخش صنعت	۱
۲	۰,۲۶۴	فعالیت بخش کشاورزی	۲
۳	۰,۲۱۲	فعالیت بخش خدمات	۳
۴	۰,۱۶۲	اشتغال‌زایی	۴

با توجه به جدول (۱۰)، وزنه‌های نسبی هر کدام از زیرمعیارهای صادرات غلات و حیوانات، صادرات مرکبات و میوه‌جات و صادرات صیفی‌جات از دید پاسخ دهنده‌گان در یک اولویت بوده و وزن آنها برابر ۰/۳۳ می‌باشد.

جدول (۱۰) اولویت‌بندی زیرمعیارهای فعالیت بخش کشاورزی

وزن	اولویت	زیرمعیارهای فعالیت بخش کشاورزی
۰,۳۳	اولویت یکسان	صادرات غلات و حیوانات
۰,۳۳	اولویت یکسان	صادرات مرکبات و میوه‌جات
۰,۳۳	اولویت یکسان	صادرات صیفی جات

با توجه به جدول (۱۱)، زیرمعیار رونق خدمات حمل و نقل منطقه در تحرک خدمات با وزن نسبی ۰/۴۳۶ بیشترین اهمیت را دارد. و زیرمعیارهای رونق خدمات بازرگانی با وزن نسبی ۰/۳۰۶، و رونق خدمات جنبی بازارچه با وزن نسبی ۰/۲۵۸، به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار دارند.

جدول (۱۱) اولویت‌بندی زیرمعیارهای فعالیت بخش خدمات

وزن	اولویت	زیرمعیارهای فعالیت بخش خدمات
۰,۲۵۸	اولویت سوم	رونق خدمات جنبی بازارچه
۰,۴۳۶	اولویت اول	رونق خدمات حمل و نقل
۰,۳۰۶	اولویت دوم	رونق خدمات بازرگانی

با توجه به جدول (۱۲)، زیر معیار سرمایه‌گذاری در صنایع تبدیلی با وزن نسبی ۰/۴۶۲ بیشترین اهمیت را دارد. و زیرمعیارهای سرمایه‌گذاری درصنعت معدن و پتروشیمی با وزن نسبی ۰/۳۸۵، و سرمایه‌گذاری در صنایع نساجی با وزن نسبی ۰/۱۵۴، به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار دارند.



جدول (۱۲) اولویت بندی زیرمعیارهای فعالیت بخش صنعت

وزن	اولویت	زیرمعیارهای فعالیت بخش صنعت
۰,۴۶۲	اولویت اول	سرمایه گذاری در صنایع تبدیلی
۰,۳۸۵	اولویت دوم	سرمایه گذاری در صنعت معدن و پتروشیمی
۰,۱۵۴	اولویت سوم	سرمایه گذاری در صنایع نساجی

با توجه به جدول (۱۳)، زیرمعیار اشتغال زایی غیرمستقیم با وزن نسبی ۰/۵۰ بیشترین اهمیت را دارد. زیرمعیارهای اشتغال زایی مستقیم و اشتغال زایی زنان با وزن نسبی برابر ۰/۲۵۰ در اولویت بعدی قرار دارند.

جدول (۱۳) اولویت بندی زیرمعیارهای عامل اشتغال زایی

وزن	اولویت	زیرمعیارهای اشتغال زایی
۰,۲۵۰	اولویت دوم	اشتغال زایی مستقیم بازارچه
۰,۵۰۰	اولویت اول	اشتغال زایی غیرمستقیم بازارچه
۰,۲۵۰	اولویت دوم	اشتغال زایی زنان در بازارچه

۵- نتیجه گیری

در این تحقیق پس از انتخاب روش مناسب با توجه به نتایج بررسیهای انجام شده چنین استنباط می شود که: بطور کلی پاسخ دهندگان، فعالیت بازارچه های مرزی در استان سیستان و بلوچستان را بر رشد اقتصادی منطقه موثر می دانند، اما میزان تاثیر هر یک از بخش های فعالیت بازارچه ها یکسان نیست و تفاوت دارند.

براساس دیدگاه خبرگان تاثیر معیارها و زیرمعیارهای فعالیت بازارچه های مرزی استان سیستان و بلوچستان، بر رشد اقتصادی منطقه، دارای اولویت های متفاوتی می باشند و با توجه به اینکه نرخ ناسازگاری کل برابر با ۰/۰۵ و مقادیر ناسازگاری هر چهار عامل بطور جداگانه، کمتر از ۰/۱ است، در نتیجه نتایج بدست آمده از تحلیل سلسله مراتبی قابل اتکا است. نتایج نشان می دهد که رتبه بندی و اولویت بندی معیارها و زیرمعیارها متفاوت هستند و ۲ معیار تحرک در بخش صنعت و تحرک در بخش کشاورزی از اهمیت بیشتری در رشد اقتصادی منطقه، برخوردار هستند. در سطح سوم از سلسله مراتب درخت تصمیم که به زیرمعیارهای چهار معیار تحرک در بخش صنعت، کشاورزی، خدمات، و اشتغال زایی اختصاص دارد، ۱۴ زیرمعیار قرارداد شده است.

در مقایسه نتایج تحقیق با تحقیقات پیشین مشاهده می شود که:

همخوانی با نتایج تحقیق رکن الدین افتخاری و پاپلی یزدی و عبدی (۱۳۸۷): نتایج بدست آمده حاکی از این واقعیت است که بازارچه توانسته است اثرات اقتصادی مثبتی بر روی مناطق پیرامون خود بر جای گذارد.

همخوانی با نتایج تحقیق بی سخن و جباری (۱۳۸۹): نتایج پژوهش نشان می دهد کاربری تجاری شهر طی دهه مورد مطالعه (۱۳۸۵-۱۳۷۵) بیشتر از ۳ برابر گردیده است که خود بیان کننده تاثیر بازارچه های مرزی و رونق این بازارچه در شهر می باشد و بیانگر غالب شدن این نقش (نقش تجاری) به جای نقش نظامی می باشد.

همخوانی با نتایج تحقیق دهمرده و شهرکی (۱۳۷۸): بازارچه های مرزی بر زیربخش های اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، اجتماعی و سیاسی منطقه سیستان تاثیر دارد.

همخوانی با نتایج تحقیق پهلوانی (۱۳۸۷): نتایج حاکی از این است که تشکیل بازارچه های مشترک مرزی در زمینه تشویق صادرات، افزایش اشتغال و کاهش قاچاق و مبادلات غیررسمی تاثیر مثبتی داشته، اما تاثیر آن صددرصد و کافی نبوده است.

با توجه به اینکه پژوهش حاضر با استفاده از جامعه آماری خبرگان انجام شده است، براساس یافته های بدست آمده از نتایج تحقیق می توان جهت تبدیل نظرات خبرگان به اهرم کاربردی در زمینه فعالیت بازارچه ها و شکوفایی اقتصاد منطقه استفاده نمود، که در این راستا پیشنهادهای زیر ارائه می شود:

۱- توجه به اینکه تحرک بخش صنعت در حد اولویت اول می باشد، پیشنهاد می گردد استراتژیهای مناسب جهت ایجاد و فعال سازی بخش صنعت در منطقه اتخاذ گردد. و با توجه اهمیت صنایع تبدیلی در این زمینه باید توجه به این بخش صنعت در اولویت اول قرار گیرد. برخی از این راهکارها که می تواند توسط دولت جهت فعال سازی صنعت در منطقه اجرا گردد عبارتند از:

- اعطای زمین به علاقه مندان جهت ایجاد صنایع با اقساط طویل المدت و کم بهره
- اعطای وامهای کم بهره و طویل المدت جهت راه اندازی و خرید ماشین آلات به صنایع



- معافیت‌های مالیاتی جهت تشویق صنایع در منطقه
 - تعهد دولت جهت خرید محصولات صنایع در صورت لزوم
 - ایجاد امنیت کامل در منطقه جهت تشویق سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در صنایع
 - تشویق دولت جهت گسترش فعالیتهای تولیدی کوچک و همخوان با ویژگیهای انسانی و محیطی منطقه
- ۲ - با توجه به نتایج بدست آمده از تحقیق، دولت جهت رشد اقتصادی منطقه بایستی در زمینه تحرک بخش کشاورزی توجه خود را معطوف به صادرات در هرسه زمینه غلات و حبوبات، مرکبات و میوهجات و صیفی‌جات نماید و تنوع را در محصولات کشاورزی لحاظ نماید. سپس ضمانت خرید محصولات کشاورزان و اعطای وام‌های کشاورزی و بیمه محصولات کشاورزی را جهت تشویق کشاورزان در منطقه دنبال کند.
- ۳ - در زمینه تحرک بخش خدمات، می‌تواند حمایت دولت در اولویت اول در بخش رونق خدمات حمل و نقل، در اولویت دوم در رونق خدمات بازرگانی، و در اولویت سوم در رونق خدمات جنبی بازارچه‌ها برنامه‌ریزی شود. برخی از این حمایت‌ها عبارتند از:
- استفاده از سیاست تجارت آزاد
 - مقررات مالی و مالیاتی مناسب
 - تضمین به تداوم سیاست‌های دولت جهت حمایت بازارچه‌ها
 - تشویق و همکاری دولت جهت تشکیل شرکتهایی که وسایل یدکی کارخانجات، ماشین‌آلات و وسایل حمل و نقل و خدمات تعمیر و نوسازی را تأمین می‌کند
 - بهبود امکانات حمل و نقل جاده‌ای و عریض نمودن جاده‌های ارتباطی در منطقه
 - مشخص شدن شرح وظایف نهادها و ارگان‌های موجود در بازارچه‌ها
- ۴ - در زمینه اشتغال‌زایی، توجه بیشتری به اشتغال‌زایی غیرمستقیم فعالیت بازارچه‌ها در منطقه بشود و بطور کلی با توجه به اهمیت اشتغال‌زایی بازارچه‌ها در منطقه چه از دیدگاه اشتغال‌زایی مستقیم و غیرمستقیم و چه از نظر اشتغال‌زایی زنان در بازارچه‌ها، دولت جهت فعال‌سازی هرچه بیشتر بازارچه‌ها می‌تواند موارد زیر در مدنظر قرار دهد:
- ایجاد فضای مناسب جهت ایجاد بازارچه‌ها
 - ایجاد امنیت در منطقه
 - جلوگیری از ورود کالاهای قاچاق به منطقه
 - آموزش و آگاهی دادن به افراد منطقه در مورد اثرات مثبت بازارچه‌ها برای مشارکت و همکاری هرچه بیشتر با مسئولین مربوطه
 - ایجاد زمینه‌های مناسب به منظور تشویق و بهره‌وری هرچه بیشتر پيله‌وران منطقه از طریق تعاونی‌ها و تشکل‌های مردمی
 - واگذاری مدیریت بازارچه‌ها به مردم و اداره آن به صورت هیأت مدیره‌ای توسط خود اهالی منطقه
 - خرج شدن درآمدهای حاصل از بازارچه‌ها توسط دولت جهت ایجاد امکانات رفاهی در بازارچه‌های منطقه

منابع و مراجع

- [۱] اصغری خانقاه، اصغر. (۱۳۸۱) "مردم شناسی فرهنگی بازار"، نامه علوم اجتماعی، بهار و تابستان.
- [۲] پژوهان، جمشید و فقیه‌نصیری، مرجان. (۱۳۸۸) اثر رقابت‌مندی بر رشد اقتصادی با رویکرد الگوی رشد درون‌زا، تهران، پژوهش‌های اقتصادی.
- [۳] پنجره واحد سرمایه‌گذاری و کارآفرینی استان سیستان و بلوچستان، <http://www.iw-sb.ir>
- [۴] پهلوانی، مصیب؛ دهمرده، نظر. (۱۳۸۲) ارزیابی وضعیت بازارچه‌های مشترک مرزی سیستان و بلوچستان در قالب برنامه‌های توسعه کشور، کارنامه پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان، جلد اول - طرح‌های پژوهشی، ناشر: معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- [۵] حیدری، محمد. (۱۳۸۱) بررسی رابطه علی بین تجارت خارجی و رشد اقتصادی یک الگوی خود همبسته برداری برای اقتصاد ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم انسانی.
- [۶] دفتر مطالعات اقتصادی. (۱۳۸۳) "اصلاح نظام اجرایی بازارچه‌ها و مبادلات مرزی"، معاونت برنامه‌بررسیهای اقتصادی وزارت بازرگانی، مهرماه.
- [۷] دهمرده، نظر؛ شهرکی، جواد. (۱۳۸۲) عنوان طرح ارزیابی طرح توجیهی منطقه آزاد تجاری سیستان، کارنامه پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان، جلد اول - طرح‌های پژوهشی، ناشر: معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- [۸] دهمرده، نظر. (۱۳۸۷) ضرورت تبدیل بازارچه مرزی زابل به منطقه آزاد چابهار، مجموعه مقالات همایش سیستان و بلوچستان.
- [۹] دهمرده، نظر؛ محمودی، مجید. (۱۳۸۷) دهمرده قلعه نو، زهرا، "نوانمندیهای استان سیستان و بلوچستان برای رسیدن به توسعه با تأکید بر ترانزیت کالا و کشاورزی"، مجموعه مقالات ششمین همایش از سلسله همایش‌های منطقه‌ای چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افریق ۱۴۰۴، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس.
- [۱۰] رازینی، ابراهیم علی؛ باستانی، علیرضا. (۱۳۸۱) "تحلیلی بر نقش و عملکرد بازارچه‌های مرزی"، معاونت برنامه‌ریزی و بررسیهای اقتصادی، دفتر مطالعات اقتصادی - گروه تجارت خارجی.



[۱۱] رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ پاپلی یزدی، محمدحسین؛ عبدی، عرفان. (۱۳۸۷) "ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه‌های مرزی بازتابی توسعه مناطق مرزی؛ مطالعه موردی: بازارچه مرزی شیخ صالح شهرستان ثلاث باباخانی"، استان کرمانشاه، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره دوم، ص ۸۲-۱۰۹.

[۱۲] سازمان صنعت معدن و تجارت سیستان و بلوچستان، <http://www.mehrnews.com>

[۱۳] سعیدی، علی‌اصغر؛ اسماعیل‌زاده، خالد؛ عبدالله‌پور؛ جمال. (۱۳۸۸) "بررسی جامعه‌شناختی اقتصادی بازارچه‌های مشترک مرزی (مطالعه موردی: بازارچه‌های مرزی سردشت و پیرانشهر)"، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۵، ص ۹۳-۱۳۳.

[۱۴] علیخانی، مظفر. (۱۳۸۳) "نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه اقتصادی و بازرگانی خارجی کشور"، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، شماره ۵، ص ۱۰-۱۴.

[۱۵] کریمی، سمیه. (۱۳۸۴) مطالعه انسان‌شناسی بازار تهران با تأکید بر رویکرد انسان‌شناسی اقتصادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

[۱۶] محمدی، تیمور و سلمانی، محمدرضا. (۱۳۷۳) "آزمون الگوی رشد درون‌زا برای اقتصاد ایران براساس رهیافت VAR"، تهران، پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۱۵.

[۱۷] محمودی، علی؛ حسن‌زاده، محمد. (۱۳۸۳) "برآورد اثرمبادلات از طریق بازارچه‌های مرزی بر درآمدهای گمرکی دولت"، فصلنامه پژوهش‌نامه بازرگانی، شماره ۳۲، ص ۱۴۱-۱۸۲.

[۱۸] Amin. A. (۱۹۹۹) An Institutional Perspective on Regional Economic Development, Blackwell Publishers.

Archive of SID